



مرکز تخصصی پژوهش و آموزش
معاونت آموزش
اداره کل پژوهش و نشر

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

خرداد سال تحصیلی ۹۶-۹۵
رشته فقه ۹۴

مهر مدرسه

ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۱۰	مبلغ پانکولی: ۷۰ دقیقه
ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۱۶	مبلغ پانکولی: ۸۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد آزمون:	۳۹۵۲/۱۰
تاریخ:	۹۶/۳/۱۸
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	حلقه ثالثه
محدوده:	از ابتدای درس ۱۵ تا پایان درس ۴۶

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علمیه:

۱. متعلق علم اجمالی از منظر محقق عراقی (ره) چیست؟

الف) جامع بما هو مردد ☐

ب) واقع شخصی ☐

ج) واقع مردد ☐

د) جامع ☐

۲. کلام امام علیه السلام «تغسل من ثوبک الناحیه الّتی ترمی انه قد اصابها حتی تکن علی یقین من طهارتک» در پاسخ سؤال زراره که «قد علمت انه قد اصابها و لم أدر این هو فأغسله؟» به کدام قاعده یا اصل اشاره دارد؟

الف) قاعده مقتضی و مانع ☐

ب) قاعده استصحاب ☐

ج) اصل طهارت ☐

د) اصل اشتغال ☐

۳. در صحیح اول زراره: «...الرجل ینام و هو فی وضوء...»، فراز «لا تنقض الیقین أبدا بالشک»، «ال» کلمه «الیقین» به نظر شهید صدر (ره) از کدام اقسام (ال) است؟

الف) عهد، به خاطر الغاء خصوصیت به همه ابواب تعمیم می دهیم. ☐

ب) جنس، ولی فقط شامل جنس یقین به طهارت می شود. ☐

ج) عهد، لذا استصحاب مختص به باب طهارت می شود. ☐

د) جنس، لذا اختصاص به باب طهارت ندارد. ☐

۴. طبق کدام مسلک در منجزیت علم اجمالی نیازی به افتراض تعارض اصول نیست؟

الف) مسلک علیت ☐

ب) مسلک اقتضا ☐

ج) مسلک حق الطاعة ☐

د) مسلک قبح عقاب بلا بیان ☐

۵. «لزوم الاحتیاط بآتیان الأكثر یكون لإحتمال كون الأقل واجبا ضمنا لا یحصل الیقین بفراغ الذمه منه الا بآتیانه ضمن»

الف) با توجه به عبارت علت وجوب احتیاط در اقل و اکثر در اجزا را توضیح دهید.

به وجوب اقل علم داریم و منجز است و باید امتثال کنیم ولی این وجوب بین استقلالی بودن و ضمنی بودن (زمانی که اکثر واجب واقعی باشد) مردد است لذا اگر اقل را انجام دهیم، در صورت استقلالی بودن آن، تکلیف ساقط می شود. چون واجب واقعی را امتثال کردیم. اما اگر وجوب اقل ضمنی باشد با انجام اقل، تکلیف ساقط نمی شود زیرا واجب ضمنی از نظر ثبوت و سقوط به هم مربوط هستند، یا همه باقی می ماند یا همه سقوط می کنند. لذا اگر اقل را به همراه جزء زائد امتثال نکنیم تکلیف باقی است پس برای خروج از عهده تکلیف باید احتیاط طرف اکثر را انجام داد، این احتیاط به خاطر احتمال وجوب جزء زائد نیست تا بگویند شک در جزء زائد و جریان برائت را داشته باشیم. بلکه احتیاط برای فراغت از ذمه تکلیف اقل است.

ب) پاسخ شهید صدر به این استدلال را بیان کنید.

اصاله الاشتغال در جایی جاری می شود که شک در سقوط تکلیف یقینی از چگونگی انجام متعلق ناشی شده باشد ولی در اینجا به وسیله انجام اقل، یقینا تکلیف سقوط می کند، چون مقدار یقینی متعلق تکلیف، اقل است. از سوی دیگر احتمال می دهیم وجوب اقل ضمنی باشد، لذا احتمال عدم سقوط تکلیف وجود دارد. و از اینجا شک در سقوط در ارتباط بین وجوب اقل و وجوب جزء زائد ناشی می شود، در چنین حالتی اصاله الاشتغال جاری می شود بلکه با اجرای اصل برائت نسبت به وجوب زائد

ایمنی حاصل می شود ولی نه به این معنی که اصل برائت سقوط وجوب اقل را ثابت می کند، بلکه ثابت می کند که مکلف در برابر عدم سقوط وجوب زائد، مسئولیتی ندارد. ج ۲، درس ۳۵، ص ۱۸۰

۶. دلیل موافقان و مخالفان «منجزیت علم اجمالی» در مسأله «فیما إذا تردد أمر شیء بین کونه جزءاً من الواجب أو مانعاً عنه» را بنویسید.

۲

۲ نظر وجود دارد:

نظریه اول: این علم اجمالی منجز است زیرا اصل برائت از جزء با اصل برائت از مانعیت با هم تعارض و تساقط کرده و علم اجمالی منجز می شود و لذا اگر مکلف دقت کافی دارد برای امتثال باید یک بار متعلق را به همراه جزء و بار دیگر بدون آن انجام دهد. اما اگر دقت کافی ندارد یک بار متعلق را انجام دهد (به همراه جزء یا بدون آن) یعنی به خاطر تنگ وقت، مخالفت احتمالی برای او جایز است.

نظریه دوم: (مرحوم محقق نایینی) این علم اجمالی، رکن چهارم را ندارد (جریان اصل در دو طرف سبب مخالفت قطعی شود) لذا علم اجمالی منجز نیست؛ چون مخالفت قطعی (هم ترک آن به عنوان جزء و هم انجام آن به عنوان مانع) در این مورد امکان ندارد؛ زیرا اگر آن را انجام دهد ممکن است واقعاً جزء باشد، و اگر آن را ترک کند امکان دارد واقعاً مانع باشد. یعنی در هر صورت می تواند مصداق موافقت احتمالی گردد. لذا جاری کردن اصل در دو طرف، سبب ترخیص در مخالفت قطعی نمی شود بلکه سبب ترخیص در مخالفت احتمالی می شود. ج ۲، درس ۳۹، ص ۱۹۶

۷. رکن سوم از «ارکان علم اجمالی» را بنابر مذهب محقق عراقی (ه) و شهید صدر (ه) بیان کرده و ثمره عملی این اختلاف را با مثال توضیح دهید. ج ۲، درس ۲۳، ص ۱۱۸

۲

رکن سوم بنا بر نظر شهید صدر: بدون توجه به تعارض ناشی از علم اجمالی، دلیل اصل هر دو طرف را شامل می شود اما اگر به علتی (مثل وجود علم و یا اماره بر ثبوت تکلیف در یک طرف و یا جاری شدن استصحاب تکلیف در یک طرف، و یا به خاطر اضطرار به یک طرف و خروج آن از شمول اصل) در یک طرف اصل مؤمن جاری نشود و در طرف دیگر اصل مؤمن جاری می شود.

رکن سوم نظر محقق عراقی: منجزیت علم اجمالی متوقف است بر اینکه علم نسبت به همه اطراف در همه تقادیر منجز باشد، اما اگر علم اجمالی نسبت به بعضی از اطراف جاری نشود، به خاطر اینکه در آن طرف، وجود تکلیف به وسیله اصل و یا اماره ثابت شده این علم اجمالی در واقع منجز نبوده، که در اصطلاح می گویند: این علم اجمالی فقط در بعضی از تقادیر منجز است، اگر در یک طرف علم اجمالی به وسیله اصل و یا اماره، تکلیف ثابت شود، علم اجمالی مذکور منجز نیست و می گویند: علم اجمالی مذکور نسبت به این طرف بر فرض وجود اماره و یا اصل ثابت کننده منجز نیست. چون آن طرف علم اجمالی خودش منجز بوده و چیزی که خودش منجز است، محال است به وسیله علت دیگری منجز شود. زیرا دو علت مستقل می تواند بر یک معلول جمع شود. یعنی این علم اجمالی صلاحیت اثبات و تنجیز معلوم خود را در هر تقدیر به دنبال ندارد لذا اصلاً منجز نیست.

بطور خلاصه: رکن از نظر مرحوم محقق عراقی در مواردی که یک طرف علم اجمالی از شمول علم اجمالی خارج شده، در واقع علم اجمالی منجز نبوده زیرا علم اجمالی باید در هر حال و در هر تقدیر منجز باشد نه در بعضی تقادیر.

فرق علی این اختلاف: اگر در یک طرف زمینه جاری شدن اصل مؤمن فراهم نبود و غیر از علم اجمالی چیز دیگری تکلیف را منجز و ثابت نمی کند، بنا بر بیان اول، رکن سوم علم اجمالی وجود ندارد اما بنا بر بیان محقق عراقی، اگر چه علم اجمالی منجز نیست ولی رکن سوم علم اجمالی وجود دارد.

۸. با توجه به عبارت «أنا إذا افترضنا كون النجاسة المكشوفة معلومة السبق و ان الاستصحاب انما يجرى بلحاظ حال الصلاة، فكيف يستند في عدم وجوب الاعادة الى الاستصحاب، مع انه حكم ظاهري يزول بانكشاف خلافه» اشکال به روایت دم رعا ف را شرح دهید و یک جواب بنویسید.

۲

اشکال: با فرض اینکه نجاست دیده شده در پایان نماز، همان نجاستی است که از ابتدای نماز در لباس بوده و نیز ثابت کردیم استصحاب در این سؤال متوجه حال نماز است نه حال سؤال. بنابراین چرا درست بودن نماز و عدم وجوب اعاده آن به استصحاب استناد داده می شود. در حالی که استصحاب در حال نماز، یک حکم ظاهری است که با کشف حکم واقعی (دیدن نجاست بعد از نماز) باطل می شود.

ج ۱: حکم امام به عدم وجوب اعاده مستند به استصحاب است و تکیه گاه این استصحاب کبرای کلی است که در باطن تعلیل مستتر است و این کبرای کلی عبارت است از اینکه، امتثال حکم ظاهری مجزی از امتثال حکم واقعی است.

ج ۲: به وسیله استصحاب و یا طهارت استصحابی، یک مصداق واقعی جدیدی برای طهارت واقعی ایجاد می شود، بنابراین اعتقاد که طهارت واقعی شامل طهارت ظاهری هم می شود، بنابراین نمازی را که با طهارت استصحابی خوانده شده شرط طهارت واقعی را دارد. (یکی از دو طریق کافی است).

ج ۲، درس ۴۳، ص ۲۲۰

*سوالات زیرمختص طلاب مکاتبه‌ای غیر حضوری است:

۹. وجه عدم جریان براءت از وجوب اعم العنوانین صدقاً در دوران بین تعیین و تخییر در صورتی که دو مفهوم متغایر باشند را بیان نمایید.

۲

زیرا اگر به وسیله جاری کردن براءت در اعم، نسبت به آن تأمین داشته باشیم، این امکان ندارد چون نفی اعم، نفی اخص را هم با خود دارد. لذا لازمه این براءت تأمین نسبت به مخالفت قطعی است که امکان ندارد و اگر می‌خواهیم نسبت به تکلیف اعم و هم نسبت به تکلیف اخص در امان باشیم، این هم محال است: زیرا سبب مخالفت قطعی علم اجمالی است. در حالی که براءت فقط می‌تواند نسبت به مخالفت احتمالی به ما تأمین بدهد، نه نسبت به مخالفت قطعی.

ج ۲، درس ۳۸، ص ۱۹۱

۱۰. طولیت علم اجمالی به چه معناست؟ دو صورت برای طولیت علم اجمالی بیان کنید.

۲

طولیت بودن اطراف علم اجمالی: اگر وجود یک طرف علم اجمالی، بر عدم طرف دیگر توقف داشته باشد، به آن طولی بودن اطراف علم اجمالی می‌گویند. مثل آنکه وجوب حج مترتب بر عدم وجوب وفاء دین باشد و علم اجمالی به یکی از دو امر است.

صورت اول: وجود یک طرف علم اجمالی، بر عدم مطلق طرف دیگر مترتب می‌شود، مثل وجوب حج بر مطلق عدم وجوب ادای دین توقف داشته باشد.

صورت دوم: وجود یک طرف علم اجمالی، بر عدم واقعی طرف دیگر متوقف است مثل وجوب حج بر عدم واقعی ادای دین متوقف است نه بر ثبوت ظاهری آن که به وسیله‌هاصل هم ثابت می‌گردد. ج ۲، درس ۳۲، ص ۱۵۸

۱۱. اشکال مطرح در عبارت «ان ملاک الاصل يتطلب ان يكون نوع الحكم الملحوظ محددا و اما اذا كان نوع الحكم غير محدد و قابلاً للوجه المختلفة فلا ينطبق الملاك المذكور» را درباره «اصل بودن استصحاب» توضیح داده، جواب شهید صدر^(ه) را بنویسید.

۲

ملاک اصل در رعایت اهمیت حکم احتمالی است، ولی باید نوع حکم احتمالی (وجوب یا حرمت) مشخص باشد. مثلاً: دو طرف اصاله الاباحه مردد بین حرمت و اباحه است و یا دوطرف اصاله الاحتیاط مردد بین وجوب و اباحه است لذا تعیین حکم احتمالی اهم در آنها آسان است اما اگر نوع حکم احتمالی اهم مشخص نباشد مثل استصحاب معنی ندارد گفته شود؛ مولی حکم احتمالی اهم حالت سابق را ترجیح داده. چون حالت سابق حکم مشخص ندارد، لذا استصحاب به عنوان یکی از اصول عملی هم مشکل است و ملاک تعیین اصل عملی را ندارد.

جواب شهید صدر: همیشه به خاطر تراحم ملاک‌های احکام واقعی و به سبب مخلوط شدن آنها با یکدیگر، شارع برای مشخص کردن ملاک حکم واقعی اهم، حکم ظاهری را جعل می‌فرماید اما در مورد مثل استصحاب می‌توان حالتی را فرض کرد که مولی در حالت تراحم احکام واقعی و مخلوط شدن ملاک‌های آنها احتمال و یا محتمل یک طرف را آنقدر قوی نمی‌بیند تا آن را ترجیح دهد و بر طبق آن حکم ظاهری جعل کند، لذا مولی بر اساس نکته‌ای (عادت مردم به یک حکم و یا عادت آنها به احتمال یک طرف) یک حکم و یا احتمال را ترجیح می‌دهد. در اینجا هنگامی که مولی به حالات شک در بقا نگاه می‌کند و می‌بیند حکم معینی ندارد، تا قوی بودن آن سبب ترجیح شود و در استصحاب احتمال و کاشفیت ظنی وجود ندارد تا قوی بودن آن را ملاک ترجیح قرار دهد، ولی بخاطر آن نکته، احتمال بقای حکم سابقش را بر احکام دیگر ترجیح می‌دهد. و چون تنها این نکته به تنهایی انگیزه جعل حکم شرعی نیست بلکه نقش آفرین است، حکم جعل شده از حکم ظاهری خارج نمی‌شود و لذا استصحاب اصل است چون ملاک اصل بودن آن است که قوت احتمال و کاشفیت به تنهایی لحاظ نشود بلکه قوت احتمال و یا آن نکته در جعل آن نقش داشته باشد.

ج ۲، درس ۴۶، ص ۲۳۳

*سامانه پیام کوتاه ۵۰۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۲ اداره کل سنجش و پذیرش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.

«ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری است.»